

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: ملکیان، محمد حسین، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور: نت‌های گریه‌دار، / محمد حسین ملکیان.
مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.
شابک: 978-600-6261-52-2
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: شعر فارسی قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره: PIR۸۲۲۳/۷۷۸۷۴ ن ۲۱۳۹۰
رده‌بندی دهیاتی: ۸۱۶۲ تا ۸
شماره کتابخانه ملی: ۲۶۴۷۷۲۵



فصل پنجم

فصل پنجم

نت‌های گریه‌دار
محمد حسین ملکیان

ناشر: فصل پنجم

چاپ اول: بهران ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سحر، چاپ: شاهین، صحافی: خیام

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۱-۵۲-۲

بها: ۲۳۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

صندوق پستی ناشر: ۱۴۶۶۵/۱۵۹۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدی‌زاده، شماره ۴، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷ - ۹۱۳۱۵۹۱۸۹۱ - ۶۶۹۰۹۸۴۸ تلفکس:

سایت فصل پنجم: www.Fasle5.ir

این کتاب با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است.

نام و مطلع سروده‌ها

- یک / شاعر شده‌ام اوج در او هام بگیرم / ۱۵
دو / در من هوای از تو نوشتن گذاشتند / ۱۷
سه / در شهر هی قدم زد و عابر زیاد شد / ۱۹
چهار / بیا ما تا همیشه فاصله بود / ۲۱
پنج / این روزها پر کرده حرف هر دهان را / ۲۳
شش / پیراهن تو بر تن این شهر گشاد است / ۲۵
هفت / قهوه را بردار و یک قاشق شکر... سم بیشتر / ۲۷
هشت / جام ملائک در شب حلقه به هم خورد / ۲۹
نه / ماه از درون پنجره‌ی تو جوان تراست / ۳۱
ده / وقتی او دل تنگی اش گل کرد، آدم آفرید / ۳۲
یازده / با این همه رقاصه در دربار امشب / ۳۳
دوازده / به نام شعر که خواب و خیال شاعر هاست / ۳۴
سیزده / پاسی از شب رفت و قشش شد که بی تابت کم / ۳۷
چهارده / ساکی پُر از آینده‌ی بی محتوایم / ۳۹
پانزده / این روزها عوض شده رنگ مزاج‌ها / ۴۱
شانزده / تو سرشناس‌ترین شخص کوچکی فالی / ۴۳
هفده / میان موی تو باید بهار گم شده باشد / ۴۵
هجده / در کوله پستی قلمم غیر درد نیست / ۴۷

- نوزده/ عقل گفته وقت وصل ما نمی شود/ ۴۹
- بیست/ حال مرا وقتی نمی دانم پیرسید/ ۵۰
- بیست و یک/ خشک و زمستانی ام، بهار ندارم/ ۵۲
- بیست و دو/ باحم بیادر عالم رویا برقصیم/ ۵۴
- بیست و سه/ دختر کوچی که باغ های غزل/ ۵۶
- بیست و چهار/ شاید برای دل بریدن زود باشد/ ۵۷
- بیست و پنج/ یک فصل زرد نقطه ی عطف مدارها/ ۵۸
- بیست و شش/ غروب بود که باگریه بست ساکش را/ ۵۹
- بیست و هفت/ هشت ساله ست این شراب که ریخت/ ۶۲
- بیست و هشت/ قرار بود که با این بهار برگردی/ ۶۴
- بیست و نه/ عده ای که همیشه می گیرند با تسخر سراغ حالت را/ ۶۶
- سی/ نقاش پر به «بوم» فراتر کشیده بود/ ۶۸
- سی و یک/ موشک کاغذی بلند شد و پدرم راه اشتباه انداخت/ ۷۰
- سی و دو/ دشمنان این روزها حرف دوپهلوی می زنند/ ۷۲
- سی و سه/ از بدر، از خیبر علی را می شناسند/ ۷۳
- سی و چهار/ این روزها مردم تو را بیمار می بینند/ ۷۵
- سی و پنج/ دلی برای سپردن به آن دیار نداشت/ ۷۷
- سی و شش/ تسبیح دانه دانه ی تو مثل ساغر/ ۷۸
- سی و هفت/ وقتی مساجد تشنه ی یک ختم قرآنند/ ۸۰
- سی و هشت/ علت این حج ناتمام بزرگ است/ ۸۲

دشتر رباعی / ۸۵

وقتش شده بود یک رباعی بشوم / ۸۷

یک / بایک گل سر مرا به مویش گره زد / ۸۹

دو / ای رنگ درست کرد و بارنگ آمیخت / ۸۹

سه / / ۹۰

چهار / پایسم و بام شهر با من قهر است / ۹۰

پنج / بدخلق و لجوج و لوس بار آمده‌ام / ۹۱

شش / لبخند بزن، غلجه‌ی لب را گل کن / ۹۱

هفت / دستور تو را تمام اجرا کردم / ۹۲

هشت / چشمم به در است، پس بیا، شمع هنوز... / ۹۲

نه / مردی گرم گشت زنی در باران / ۹۳

ده / رفتی و غبار راه را هم بردی / ۹۳

یازده / برگشتی این بار پشیمان، دل تنگ / ۹۴

دوازده / چشمم... چشمم، اول راه این جا بود / ۹۴

سیزده / تو بی خبری، بی خبر از دور و برت / ۹۵

چهارده / دست هوس از یوسف زیبا بردار / ۹۵

پانزده / باران دل سنگ سخت را می شکند / ۹۶

شانزده / ساحل هوس موج پریشانی کرد / ۹۶

هفده / قایق که شکست، امتحانی کرد و / ۹۷

هجده / با خود احساس بی هدف بودن کرد / ۹۷

- نوزده/ تا غرق شد آن چه بود را با خود برد / ۹۸
 بیست/ صخره، نقاشی شده‌ی امواج است / ۹۸
 بیست و یک/ های و هووو... قیل و قال دارد دریا / ۹۹
 بیست و دو/ نزدیک سحر، عکس زنش را بوسید / ۹۹
 بیست و سه/ تا عاشق شد سه تار در دستش بود / ۱۰۰
 بیست و چهار/ کافه، قلیان، دوچای، ساز دشتی / ۱۰۰
 بیست و پنج/ دیشب دل مادرم دوباره خون بود / ۱۰۱
 بیست و شش/ جنگل ساکت... دو شیر زخمی در جنگ / ۱۰۱
 بیست و هفت/ می خواست به هر شکل تداعی بشود / ۱۰۲
 بیست و هشت/ هر دریا ساحل خودش را دارد / ۱۰۲
 بیست و نه/ در چشمانت چقدر غم ریخته است / ۱۰۳
 سی/ او گاه رعیت گاهی خانزاده است / ۱۰۳

سرفه خانه / ۱۰۵

- سی و یک/ سرباز، کلاهخود را می فهمد / ۱۰۷
 سی و دو/ آن شب... شب حمله، قدمت موزون بود / ۱۰۷
 سی و سه/ یک پات چرا صدا ندارد بابا؟ / ۱۰۸
 سی و چهار/ آهسته و نارسا... گلویش را بغض... / ۱۰۸
 سی و پنج/ پای وطنم که روی مین جنگ است / ۱۰۹
 سی و شش/ جنگ از وطنم سفر نکرده است هنوز / ۱۰۹

- سی و هفت / رزمنده ی جزء بود، مسئول نبود / ۱۱۰
 سی و هشت / یک عالم خردل است توی ریه ات / ۱۱۰
 سی و نه / برگشت، کمی دیرتر از دفعه ی قبل / ۱۱۱
 چهل / از جبهه و جنگ بیشتر حرف بزن / ۱۱۱
 چهل و یک / دستش هوس قنوت دارد اما... / ۱۱۲
 چهل و دو / جنگ آمد و رفت، شهر آواره شده / ۱۱۲
 چهل و سه / وِیلا و کنیرتان مبارک اخوی / ۱۱۳
 چهل و چهار / کار تو شبانه روز، خس خس شده است / ۱۱۳
 چهل و پنج / بابا برگسته، پرچم پوشیده / ۱۱۴
 چهل و شش / می خواست به در آتش و خون برسد / ۱۱۴
 چهل و هفت / قیچی شده ام، راه فرارم من است / ۱۱۵
 چهل و هشت / از جبهه به غیر غم چه آورد پدر؟ / ۱۱۵

نی زه های سرگردان / ۱۱۷

- چهل و نه / در خیبر و بدر، خون دل خورد علی / ۱۱۹
 پنجاه / یک سایه ی پایه ماه دارد کوفه / ۱۱۹
 پنجاه و یک / با فرق شکسته، دل خون، چهره ی زرد / ۱۲۰
 پنجاه و دو / آتش پروانه ی علی را سوزاند / ۱۲۰
 پنجاه و سه / از سوزش آفتاب حرفی نزنید / ۱۲۱
 پنجاه و چهار / بی آن که بهانه دست ناکس بدهد / ۱۲۱

- پنجاه و پنج / زانو زد و عالم به تماشا آمد / ۱۲۲
- پنجاه و شش / تا پای دهان باز مشک آمده بود / ۱۲۳
- پنجاه و هفت / راضی به جدایی از برادر نشده / ۱۲۳
- پنجاه و هشت / امواج غم علقمه دارند هنوز / ۱۲۳
- پنجاه و نه / امواج فرات تحت تاثیر تواند / ۱۲۴
- شصت / ای مشک تو میراث یلی، تاب بیار / ۱۲۴
- شصت و یک / در چشمانت هزار و یک دریا مشک / ۱۲۵
- شصت و دو / دریا به تهنه رسید، از مشک پیرس / ۱۲۵
- شصت و سه / نورند، و نور دیدمان عباس است / ۱۲۶
- شصت و چهار / دلشوره‌ی من گذشت از حد عمه / ۱۲۶
- شصت و پنج / افتاد علم که دشمنیت کل بکشد / ۱۲۷
- شصت و شش / گفتند ولی نعمت دریای / ۱۲۷
- شصت و هفت / امواج به فکرند پر و پا بکشند / ۱۲۸
- شصت و هشت / رویش راقص ماه باید بکشد / ۱۲۸
- شصت و نه / بانیت فتح سپرت می آیند / ۱۲۹
- هفتاد / چشمان همه به سوی یک نوزاد است / ۱۲۹
- هفتاد و یک / هم عهد شدند لاج به آینه کنند / ۱۳۰
- هفتاد و دو / جنگیدی، تشنه، خسته، زینب می دید / ۱۳۰
- هفتاد و سه / این زجر کشی بود، فقط جنگ نبود / ۱۳۱
- هفتاد و چهار / اربا اربا را گفت می فهمد / ۱۳۱

هفتاد و پنج/ در سایه ی این حجاب نوری ازلی ست / ۱۳۲
هفتاد و شش/ این شعر تعهد قلم می خواهد/ ۱۳۲

سر رسید / ۱۳۳

هفتاد و هفت/ از دست دو تا چشم فلج خسته شدیم / ۱۳۵
هفتاد و هشت/ چشم همه ی جهان به آدینه ی ماست / ۱۳۵
هفتاد و نه/ تقویم به تقویم پی ات می گردیم / ۱۳۶
هشتاد/ اول دو - سه بار امحان، بعد بیا / ۱۳۶
هشتاد و یک/ دیروز یکی نشانی ات را پرسید / ۱۳۷
هشتاد و دو/ من مثل تو و تو مثل من چشم به راه / ۱۳۷
هشتاد و سه/ کی می شود از بُعد زمان رد بشود / ۱۳۸
هشتاد و چهار/ تسبیح دعا دور خودش می چرخد / ۱۳۸
هشتاد و پنج/ یادت که نرفته است کاری داری / ۱۳۹
هشتاد و شش/ موعود خدا مرد خطر می خواهد / ۱۳۹
هشتاد و هفت/ عمری بی تو به اشتباه افتادم / ۱۴۰
هشتاد و هشت/ او در سفر است بازبان روزه / ۱۴۰
هشتاد و نه/ هر چیز که پیش بینی اش شد، شده است / ۱۴۱
نود/ این صفحه درست صفحه ی آخرم است / ۱۴۱